

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/06/21

موضوع: حضرت رقيه (سلام الله عليها) يك واقعيه تاريخي!

برنامه حبل المتين

«فهرست مطالب اين سخنراني»

معرفي برخي آثار و كتب تأليف شده درباره شخصيت حضرت رقيه (سلام الله عليها)

شخصيت حضرت رقيه (سلام الله عليها) در كلام علمای اهل سنت

شخصيت حضرت رقيه (سلام الله عليها) در كلام علمای معاصر و مراجع عظام تقليد

ماجرای نبش قبر حضرت رقيه (سلام الله عليها)

ذکر واقعه شهادت حضرت رقيه (سلام الله عليها)

تماس بينندگان برنامه

مجري:

بسم الله الرحمن الرحيم

روح بزرگش دمیده است جان در تن کوچک من

سرگرم گفتم و شنود است او با من کوچک من

می خواستم از یتیمی از غربت خود بنالم

دیدم سر خود نهاده است بر دامن کوچک من

از کربلا تا مدینه یک دفتر خاطرات است

با رد پایی که مانده است از دشمن کوچک من

دنیا چه بی اعتبار است در پیش چشمی که دیده است

دارالامان جهان را در دامن کوچک من

آنان که بر سینه دارند داغ سفر کرده‌ای را

شاخه گلی می‌گذارند بر مدفن کوچک من

صلی الله علیک یا رحمة الله الواسعة و یا باب نجات الأمة المظلوم یا ابا عبدالله

بینندگان ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» سلام علیکم. در خدمت شما هستیم در ایام شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها) با یکی دیگر از برنامه‌های «حبل المتین».

ان شاء الله که بتوانیم لحظات خود را به نام حضرات معصومین و خاندان اهل بیت (علیهم السلام) منور و متبرک و مقدس کنیم.

این شهادت جانسوز را بر شما عزیزان تسلیت عرض می‌کنم. داغ حضرت رقیه بر دل ما بسیار سنگین است.

حتماً در جلسات روضه و برنامه‌های عزاداری ارتباط خاصی با این روضه سال‌ها برقرار کردید. ان شاء الله در این محفل هم از این بانوی سه ساله باکرامت بیشتر می‌شنویم. ان شاء الله به دعای حضرت سیدالشهدا به زودی بتوانیم زائر حضرت رقیه باشیم.

در خدمت استاد ارجمند و دانشمند گرامی حضرت آیت الله حسینی قزوینی هستیم و ان شاء الله از محضرشان فراوان استفاده خواهیم کرد. سلام بر شما، تسلیت ایام و آرزوی قبولی طاعات و عزاداری‌ها؛

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

السلام عليك يا بقية الله في أرضه السلام عليك يا ميثاق الله الذي أخذه و وكده السلام عليك يا حجة الله و دليل إرادته باذن الله و باذنك يا مولای يا صاحب الزمان

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته؛ خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی خالصانه‌ترین سلامم را تقدیم می‌کنم.

شهادت مظلومانه و غریبانه دختر سه ساله یا چهار ساله حضرت سیدالشهداء حضرت رقیه (سلام الله علیها) و این باب الحوائج را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

ما طبق برنامه همیشگی ابتدا یادی از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌کنیم، سپس شهادت حضرت فاطمه زهرا را پیوند می‌دهیم با این دختر سه ساله حضرت سیدالشهداء (علیه السلام).

تازیانه خصم اگر بر دخت پیغمبر نمی‌زد

کعب نی هرگز کسی بر زینب اطهر نمی‌زد

گر نمی‌شد حق حیدر غصب تا روز قیامت

پشت پا کس بر حقوق آل پیغمبر نمی‌زد

دشمن بی رحم اگر بر بیت وحی آتش نمی‌زد

عصر عاشورا کسی بر خیمه‌ها آذر نمی‌زد

محسن شش ماهه گر مقتول پشت در نمی‌شد

حرمله تیری به حلقوم علی اصغر نمی‌زد

فاطمه گر کشته راه امام خود نمی‌شد

زینب غم دیده هم بر چوب مهمل سر نمی‌زد

دختر غم دیده ویران نشین سیلی نمی‌خورد

خضم اگر در کوچه سیلی بر رخ مادر نمی‌زد

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء اشفعی لنا عندالله

مجری:

تو هر دم گریه بر این لاله کردی

برایم ناله کردی ناله کردی

چه دیدی در نگاه این سه ساله

که یاد از یاس هجده ساله کردی

الحمدلله در ایام شهادت زهراى سه ساله حضرت سیدالشهداء بازهم در محفلی دیگر با نام حضرت صدیقه طاهره جلسه ما متبرک شد. حاج آقا قزوینی عزیز از شما ممنونم.

راجع به وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) مباحث فراوانی مطرح شده است، مناقشاتی هست و تردیدهایی در این قصه هست. بفرمایید در منابع معتبر شیعی راجع به وجود حضرت رقیه مطالبی وارد شده است یا خیر.

ما می‌خواهیم با دل قرص در روضه‌ها وارد شویم و با دل قرص این روضه را بشنویم. البته زیاد از این بانو حاجت گرفتیم و زیاد در این مجالس ارتباطمان با حضرات معصومین برقرار شده است، اما از لحاظ تاریخی هم می‌خواهیم از شما بشنویم.

معرفی برخی آثار و کتب تألیف شده درباره شخصیت حضرت رقیه (سلام الله علیها)

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفوض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

در رابطه با حضرت رقیه (سلام الله علیها) ما از مخالفینمان گلایه نداریم، زیرا اگر آنها در این قضایا تردید نکنند باید در ناصبی بودنشان تردید کرد.

این افراد نسبت به قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم تردید دارند، نسبت به محل زیارت امام حسین (علیه السلام) تردید دارند یا نسبت به امام رضا (علیه السلام) هم تردید دارند.

تنها کسی که آنها نسبت به او تردید ندارند، خلیفه اول و خلیفه دوم است. آنها در رابطه با محل دفن خلیفه سوم هم تردید دارند.

گلایه ما از بعضی دوستان خودی است. بعضی از بحث‌هایی که در حوزه و جلسات علمی مطرح می‌شود یا در بعضی سایت‌ها و مباحث علمی بیان می‌شود را به رسانه می‌کشانند، در حالی که هشتاد درصد مردم ارتباط زیادی با مباحث علمی ندارند.

همین امروز مواردی داشتیم و تماس‌هایی داشتند که مثلاً فلان بزرگواری که خدمتشان ارادت داریم، مطالبی در یکی از شبکه‌ها گفته است که قدری تردید در دل‌مان ایجاد شد. قضیه چیست؟!

اولاً بنده کتاب‌هایی که در رابطه با حضرت رقیه (سلام الله علیها) مستقلاً نوشته شده است را نام می‌برم.

در میان کتاب‌هایی که به زبان عربی چاپ شده است کتاب «أنا رقیه بنت الحسین» اثر آقای «عباس صفار» است که دار الأثر کویت در سال 1429 آن را به چاپ رسانده است.

کتاب «الطفلة الشهيدة» اثر «محمد نورالدین» است که انتشارات اعلی بیروت که انتشارات بسیار معتبر بیروت هست آن را به چاپ رسانده است.

کتاب «السيدة رقیة بنت الحسین» اثر «عامر حلو» است که در سال 1419 در اتریش به چاپ رسیده است.

کتاب «قصة سيدة رقیة» تألیف «محمد باقر ناصری» است که انتشارات دار المحجة البيضاء بیروت آن را به چاپ رسانده است.

کتاب «کرامات سیده زینب (علیها السلام) و یلیه کرامات سیده رقیة» اثر «علی ابراهیمی» است که توسط «مؤسسه بلاغ» در بیروت به چاپ رسیده است.

بنده در مدت زمانی کمتر از پنج دقیقه این مطالب را که به صورت عربی نوشته شده بود درآوردیم. از میان کتب فارسی هم بنده احساس می‌کنم شاید تا به حال بیش از سی کتاب در رابطه با حضرت رقیه نوشته شده است.

کتاب «از شام تا به شام» اثر آقای «بهمن عبداللهی نیا» است که انتشارات مفید تهران آن را به چاپ رسانده است.

کتاب «از غریبه‌ها می‌ترسم» کتاب دیگری است که آستان قدس رضوی سال 1380 آن را به چاپ رسانده است.

کتاب «اسوه‌های ایثار شهیده سه ساله» اثر «عباس قدیانی» هم در این زمینه به چاپ رسیده است.

کتاب «اسیر کوچک» اثر «مریم صباغ زاده ایرانی» در این زمینه چاپ شده است. کتاب «اشکی بر سه ساله» اثر «محمد حائری» است که انتشارات عاشورا آن را به چاپ رسانده است.

همچنین آقازاده حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی کتابی به نام حضرت رقیه دارند که کتاب بسیار خوبی است. این کتاب شاید به نظر بنده جدیدترین و محققانه‌ترین کتابی است که نوشته شده است. ایشان یکی از فضلا و اساتید حوزه علمیه هستند.

همچنین در سایت‌ها هم شاید بیش از سیصد مقاله در رابطه با حضرت رقیه (سلام الله علیها) آمده است.

بنده گمان می‌کنم با وجود این کتب، تردید کردن یا ایجاد تردید برای عموم مردم مرضی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نباشد.

ما بسیاری از مباحث را داریم که در حوزه‌ها و مباحث علمی مطرح می‌کنیم و در مورد آن بگو مگو هم داریم، اما آنها مخصوص مباحث علمی است نه اینکه مخصوص مطرح کردن در رسانه‌های داخلی باشد.

بنابراین ما نباید با مقدسات مردم و عقاید مردم بازی کنیم. بنده به یاد دارم شخص بد سلیقه‌ای در یکی از مجلات دفتر تبلیغات حوزه، مقاله‌ای نوشته بود در رابطه با اینکه امام را امام باید غسل بدهد یا خیر.

ایشان چند روایت ضعیف از نواصب را بیان کرده بود مبنی بر اینکه امام حسین در کربلا بودند در حالی که حضرت زین العابدین در زندان بودند. چطور حضرت سجاد بدن مطهر امام حسین را غسل دادند و بر آن بزرگوار نماز خواندند؟!

همچنین امام رضا در مشهد شهید شدند، در حالی که امام جواد در مدینه بودند. امام کاظم در بغداد شهید شدند، اما امام رضا در مدینه بودند.

بنده آن زمان با حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی ارتباط تنگاتنگ داشتیم و با همدیگر رفت و آمد داشتیم. ما به قدری با همدیگر صمیمی بودیم که وقتی ایشان به منزل ما می‌آمدند، فرزند کوچکشان را هم با خود می‌آوردند.

آیت الله هاشمی شاهرودی سردبیر این مجله را خواستند و به بنده هم امر کردند و خدمتشان رسیدیم. ایشان بسیار عصبانی بودند و گفتند: ما هیچ مشکل دیگری در عالم اسلام نداشتیم، جز اینکه شما این تردید را ایجاد کنید؟! ما ده روایت صحیح داریم که فقهای ما مطرح کرده‌اند و می‌نویسند:

«إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَغْسَلُهُ إِلَّا الْإِمَامُ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 384، ح 1

9:

«أَنَّ الْإِمَامَ لَا يَصَلِّي عَلَيْهِ إِلَّا الْإِمَامُ»

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص 219، پ 2

این همه روایات صحیح داریم، ایشان سپس گفتند که فلانی اینها را به صورت مقاله نوشته است.

آمدن حضرت سجاد با سند صحیح برای دفن حضرت سیدالشهدا و آمدن امام جواد با طی الأرض به طوس برای غسل و دفن و نماز بر امام رضا و آمدن امام رضا به بغداد تماماً با روایات صحیح بیان شده است که بنده آنها را به صورت مقاله درآورده بودم.

حال انسان‌های بد سلیقه و بد فکری این روایات صحیح و معتبر و مستفیض را کنار می‌گذارند. ایشان عبارتی را از کتاب «کافی» از قول «خاقانی» انتخاب کرده بود، به طوری که اصلاً در متن روایت هم هست که «خاقانی» از اشد نواصب بوده است.

آقای که محترم هستند و نمی‌خواهم اسمشان را ببرم، گفتند: مقاله‌ای که فلانی نوشته است را بدهید ما در شماره بعدی به چاپ برسانیم.

بنده گفتم: بنده مجله شما را به قدری ارزشمند نمی‌دانم که مقاله خود را برای چاپ در اختیارتان قرار دهم. شما چرا چنین کاری می‌کنید!!؟

آیت الله شاهرودی فرمودند که من از شما می‌خواهم این مقاله را در اختیارشان قرار دهید تا چاپ کنند. بنده گفتم: اگر حضرتعالی می‌فرمایید، بنده قبول می‌کنم.

بنده به یاد دارم مقاله آن آقا در شماره 71 آن مجله به چاپ رسیده بود. ایشان از طلبه‌های مشهد بود، اما از آقایان مشهدی خیلی بعید است، زیرا مشهدی‌ها در ولایی بودن گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند.

ما مقاله خود را خدمت سردبیر این مجله دادیم، ایشان چاپ کردند و هیچ پاسخی هم نسبت به مقاله ما نداشتند.

بعد از این قضیه خدمت حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رسیدیم. ایشان بسیار تشکر فرمودند و گفتند که مقاله بسیار جامع و جالبی بود. ما کاری نکردیم تنها روایات صحیح و فتاوی فقها را در بیست و پنج صفحه جمع کردیم.

بعضی افراد انسان‌های بد سلیقه‌ای هستند، به طوری که یک سری مباحث را در رسانه یا سایت مطرح می‌کنند که به صلاح ما نیست.

آیت الله هاشمی شاهرودی در آن جلسه جمله‌ای بیان کردند و فرمودند: هشت سال جنگ دفاع مقدس را همین مقدسات مذهبی مردم پیروز کرد.

اگر شما امروز این مقدسات و فردا مقدسات دیگر را زیر سؤال ببرید، در صورت اتفاقات دیگر برای کشور دیگر کسی نیست که از کشور دفاع کند.

بنده احساس می‌کنم بعضی از آقایان قدری کم لطف و بد سلیقه هستند. ما در رابطه با حضرت رقیه (سلام الله علیها) از همان روز عاشورا مطالب متعددی داریم.

اخیراً کتابی تحت عنوان «موسوعة الكلمات الإمام حسین» نوشته شده است و توسط پژوهشکده سازمان تبلیغات اسلامی که اکثراً از رفقا و دوستان ما هستند به چاپ رسیده است.

بنده به بینندگان عزیز توصیه می‌کنم این کتاب که در سه جلد به چاپ رسیده است را تهیه کنند. نویسنده تمامی وقایع عاشورا را به صورت مستند از منابع شیعه و اهل سنت نقل کرده است. این کتاب بسیار جالب است.

مجری:

تمام سخنان حضرت در طول عمر مبارکشان است یا تنها مربوط به عاشورا است؟!

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

خیر، تمامی کلمات را آوردند و در کنار آن هم حالات حضرت را قبل از عاشورا، روز عاشورا و بعد از عاشورا آوردند. جلد سوم این کتاب هم مخصوص زندگی امام سجاد (علیه السلام) است.

این کتاب به صورت مستند نوشته شده و گروهی هم آن را کار کرده‌اند، کار یک نفر نیست.

مجری:

آیت الله نجمی (رحمة الله عليه) کتابی تحت عنوان «سخنان حسین بن علی» داشتند. بنده جدیداً این کتاب را می‌خوانم و بسیار کار خوبی است.

این کتاب مربوط به وقایع کربلا و مدینه و مکه می‌شود و شامل ماقبل از این زمان نمی‌شود، اما کتابی که شما می‌فرمایید بسیار جامع است.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

این کتاب بسیار جامع است، به طوری که سه جلد است و هر جلد آن هم حدود هفتصد صفحه است. این کتاب به زبان عربی است و نمی‌دانم به فارسی ترجمه شده است یا خیر.

این کتاب در نرم افزار «مکتبه اهل بیت» هم موجود است. الحق و الانصاف بنده خودم بسیار از این کتاب استفاده کردم، زیرا هم منابع شیعه را آوردند و هم منابع اهل سنت را آوردند.

این روش بسیار خوب است، زیرا وقتی انسان می‌خواهد روی قضیه‌ای کار کند می‌بیند که اصلاً شیعه و سنی در رابطه با واقعه عاشورا و قبل از عاشورا و بعد از عاشورا چه گفته‌اند.

مجری:

گویا این کتاب به نام «فرهنگ جامع کلمات امام حسین» به چاپ رسیده است. ما بسیار مشتاق هستیم این کتاب را تهیه کنیم و بخوانیم و استفاده کنیم. بهترین راه شناخت حضرت هم همین است که امام حسین را از خود امام حسین بشناسیم.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

بله. بهترین راه این است که امام حسین را از زبان امام حسین و امام علی را از زبان امام علی و حضرت مهدی را از زبان حضرت مهدی بشناسیم. ما فراوان توقیعات و فرمایشات داریم.

یکی از تصمیماتی که ما داریم، این است که ان شاء الله اگر بتوانیم «موسوعه احادیث حضرت مهدی» را در چهارده یا پانزده جلد گردآوری کنیم همانند «موسوعه امام رضا» که در هشت جلد به چاپ رساندیم.

اگر این احادیث مبوب شود و تمام بشارت‌هایی که قبل از ولادت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) توسط انبیاء گذشته بوده است گردآوری شود، به ویژگی‌های یاران حضرت مهدی می‌رسیم.

بنده خیلی دوست دارم توفیقی داشته باشم و ویژگی‌های سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی را گردآوری کنم. ما در این جلسات بیان خواهیم کرد که یاران حضرت مهدی چه ویژگی‌هایی دارند.

ما در روایت داریم که هر روز و هر شب منتظر ظهور حضرت مهدی باشید. حضرت می‌فرماید: هیچ روز و شبی نباشد که شما منتظر فرج حضرت مهدی نباشید. در روایت داریم خداوند عالم تمام مقدمات امر فرج را در یک شب فراهم می‌کند.

مخصوصاً وقتی انسان ویژگی‌هایی که در یاران حضرت مهدی هست را می‌خواند و قدری خود را با آنها مقایسه می‌کند، از خود خجالت می‌کشد.

بعضی از یاران حضرت مهدی روز ظهور حضرت با طی الأرض به خدمت حضرت می‌رسند و بعضی دیگر با طی الهواء به خدمت حضرت مشرف می‌شوند.

افرادی از امام صادق (علیه السلام) سؤال می‌کنند که مقام کدام یک از اصحاب حضرت بالاتر است؟! حضرت فرمودند: کسانی که مثل حضرت سلیمان طی الهواء داشتند و سوار بر ابر خدمت حضرت رسیدند.

البته سوار شدن بر ابر و رفتن، برای فهم عموم است، اما همان کسی که با یک چشم به هم زدن با طی الأرض خدمت حضرت می‌رسد در یک چشم بهم زدن هم با طی الهواء می‌رود.

همانطور که نسبت به حضرت سلیمان نقل شده است که به «آصف بن برخیا» می‌فرماید: قبل از اینکه چشمت را به هم بزنی، من تمام تاج و تخت «بلقیس» را در محضر شما می‌آورم.

در این موسوعه در روز عاشورا قضایایی را نقل می‌کند که حضرت سکینه (علیها السلام) به دختر سه ساله حضرت فرمودند: خواهر بیا دامن پدر را بگیریم و نگذاریم برود کشته شود.

امام حسین با شنیدن این حرف اشک ریختند و حضرت رقیه (سلام الله علیها) فرمودند: پدرجان! گریه نکن، من مانعت نمی‌شوم.

حضرت سیدالشهدا دختر را به آغوش گرفت و لب‌های خشکیده‌اش را بوسید. یک مرتبه دختر سه ساله صدا زد: پدرجان! تشنگی جگرم را کباب کرده است. امام حسین با دختر سه ساله خداحافظی کرد و این جمله را فرمود:

«أَلَا يَا زَيْنَبُ يَا سَكِينَةَ * أَيَا وُلْدِي مَنْ ذَا يَكُونُ لَكُمْ بَعْدِي

أَلَا يَا زُقَيْيَةَ يَا أُمَّ كُلْثُومِ أَنْتُمْ * وَدَيْعَةَ رَبِّي الْيَوْمُ قَدْ قَرَّبَ الْوَعْدِ»

موسوعة كلمات الإمام الحسين (ع)، نویسنده: لجنة الحديث فی معهد باقر العلوم (ع)، ص 616، ح

645

جالب است که بنده در ذهن دارم سال 1360 به کتابخانه مسجد فاطمیه می‌رفتیم و کتاب «سیره معصومین» اثر «جواد فاضل (رضوان الله تعالی علیه)» را مطالعه می‌کردیم.

بنده به قلم «جواد فاضل» بسیار علاقه دارم، زیرا بسیار حماسی می‌نویسد. اگر انسان کتاب «نهج البلاغه» اثر ایشان را می‌خواند از قلم حماسی ایشان بال در می‌آورد.

بنده زمانی که حالات امام حسین را می‌خواندم، در آنجا دیدم که در شب عاشورا حضرت رقیه (سلام الله علیها) مورد عنایت ویژه امام حسین بود. الآن در ذهنم نیست «جواد فاضل» از چه کسی نقل کرده بود، زیرا قضیه به چهل سال قبل برمی‌گردد.

ایشان می‌نویسد که امام حسین به این دختر بسیار علاقه داشت، زیرا در میان دخترانش تنها دختری بود که به حضرت فاطمه زهرا شبیه بود. به عبارت دیگر چهره حضرت رقیه جلد دوم چهره حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بود.

این دختر هرشب به جای اینکه پیش مادر بخوابد، بغل امام حسین (علیه السلام) می‌خوابید. شب عاشورا حضرت مشغول خطبه خواندن و نماز و عبادت بودند و این دختر سه ساله هرچه منتظر ماندند تا پدر بیاید و او را در بغل بگیرد حضرت نیامد.

دختر سه ساله اصلاً خبر ندارد قضایا چیست. حضرت رقیه منتظر مانده بود، گاهی بیرون خیمه می‌رفت و گاهی به داخل خیمه می‌آمد و می‌دید پدر مشغول نماز و عبادت است.

زمانی که حضرت رقیه دید خواب او را اذیت می‌کند، از خاک کربلا شبیه متکایی درست کرد و صورتش را بر روی خاک گذاشت و همانجا به همان شکل خوابید.

کاملاً واضح و روشن است که وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) در کربلا از بسیاری صحابه حتی برادران حضرت قمر بنی هاشم مؤثرتر بود.

حضور برادران حضرت ابوالفضل نظیر «عون» و «فضل» و «جعفر» بسیار در تاریخ نمود ندارد. ما در تاریخ مطالب کمتری از آنها داریم، اما در رابطه با حضرت رقیه مطالب زیادی نقل شده است.

آقای «ابو مخنف» متوفای 157 هجری هست و معاصر امام صادق و امام باقر (علیهم السلام) بوده است. امام صادق متوفای 148 هجری است و ایشان متوفای 157 هجری است.

«ابو مخنف» هم زمان امام رضا را درک کرده و هم زمان امام کاظم را درک کرده است. ایشان کتابی به نام «مقتل» دارد. در کتاب «مقتل» چاپ انتشارات شریف رضی صفحه 131 نقل شده است که حضرت سیدالشهدا در وداع آخرین روز عاشورا؛

«ثم نادى: يا أم كلثوم، ويا سكينه، ويا رقية، ويا عاتكة، ويا زينب، عليك منى السلام»

مقتل الحسين و مصرع اهل بيته و اصحابه فى كربلاء، المشتبه بمقتل ابى مخنف؛ انتشارات: الشريف
الرضى، قم، ص 131

معمولاً وقتی «عليک» را مقدم بر سلام می‌کنند، به معنای سلام وداع است. «السلام عليك» در ورود یا خداحافظی به این معناست که دیدارها همچنان ادامه دارد، اما وقتی «عليک منى السلام» یا «عليک منى السلام» می‌گویند به معنای آخرین سلام است.

«سیف بن عمیره نخعی» یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است و مورد وثوق تمام رجال شناسان است. ایشان بنا به نقل «مقتل الرقیه» از کتاب «منتخب التواریخ» اثر «میرزا هاشم خراسانی» صفحه 388 اشعاری نقل می‌کند. ایشان که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است می‌نویسد:

« و سكينه عنها السكينة فارقت»

وقار و آرامش از حضرت سكينه جدا شد.

«لما ابتديت بفرقة و تغير»

وقتی احساس جدایی کرد.

«و رقية رق الحسود لضعفها»

حضرت رقیه به قدری ضعیف بود که همه به حالش گریه می‌کردند.

«و غدا ليعذرهما الذي لم يعذر»

این عده فردای قیامت مجبورند عذر خواهی کنند، هر چند هیچ عذری برای آنها وجود ندارد

ایشان سپس می‌نویسد:

«لم اءنسها وسكينة و رقية يبكيه بتحسر و تفر»

هرگز ناله‌های جانسوز سکینه و رقیه را فراموش نمی‌کنم.

در ادامه می‌نویسد:

«و عبیدکم سیف فتی ابن عمیره عبد لعبد عبید حیدر قنبر»

سیف بن عمیره عبد و نوکر شماس است. بلکه من عبد غلام حیدر قنبر هستم.

الفخری، المنتخب الطریحی؛ تألیف: الشیخ فخرالدین الطریحی النجفی، مؤسسه التاریخ العربی للطباعه

و النشر و التوزیع؛ ص 408

این مطالب کاملاً واضح و روشن است و آقایان آورده‌اند. «سید بن طاووس» یکی از کسانی است که واقعاً مقامات بالا را طی کرد و کمالات زیادی را پیمود. ایشان به قدری خدمت حضرت ولی عصر رسیده بود که می‌گفت من با تَن صدای حضرت آشنا هستم.

در میان بزرگان شیعه «مقدس اردبیلی» و «سید بن طاووس» خدمت حضرت ولی عصر کثیر التشریف بودند. «سید بن طاووس» که متوفای 664 هجری است، کتابی به نام «لهوف» دارند.

بنده خود شاهد بودم که مقام معظم رهبری در نماز جمعه کتاب «لهوف» را می‌آوردند و از روی این کتاب مقتل خوانی داشتند. این کتاب در انتشارات اسوه وابسته به سازمان اوقاف به چاپ رسیده است.

«سید بن طاووس» در این کتاب نقل می‌کند که حضرت سیدالشهدا در کنار خيام آمد و فرمود:

«يا اختاه يا امّ کلثوم! و انت يا زينب و انت يا رقيه و أنت يا فاطمه و أنت يا رباب!»

سپس فرمودند:

«انظرن اذا أنا قتلت فلا تشقن علی جیبا و لا تخمشن علی وجها و لا تقلن علی هجرا»

بعد از من زیاد بی تابی نکنید و چنگ به صورت نزنید و حرف‌هایی که در زمان جاهلیت گفته می‌شد را مطرح نکنید.

لهوف / ترجمه میر ابو طالبی، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، مترجم: میر ابوطالبی، حسن، ص 123، باب مواجه شدن امام با سپاه حر

در کتاب «کامل بهائی» هم مطلبی در این زمینه آمده است. بعضی افراد تصور می‌کنند کتاب «کامل بهائی» اثر «شیخ بهائی» است در حالی که این تفکر کاملاً اشتباه است. «شیخ بهائی» متوفای قرن نهم و دهم هجری بوده است.

این کتاب متعلق به «حسن بن علی بن محمد طبری امامی» مشهور به «طبری امامی» یکی از علمای قرن هفتم است.

ما خودمان نتوانستیم سال وفات ایشان را پیدا کنیم، اما ایشان کتابی نوشته و به «بهاءالدین محمد جوینی» والی اصفهان در زمان «هلاکوخان» هدیه کرده است.

«هلاکوخان» متوفای 663 هجری است و «بهاءالدین محمد جوینی» متوفای 675 هجری است. این کتاب را آقای «طبری امامی» به والی اصفهان هدیه کرده است.

در این کتاب مفصل در رابطه با قضیه سقیفه و مطاعن دشمنان اهل بیت و مقتل سیدالشهدا بحث شده است. در اینجا ایشان مفصل قضایای حضرت رقیه را آورده است.

«مرحوم محدث قمی» هم در کتاب «نفس المهموم» که یکی از معتبرترین کتب مقتل است، مفصل این قضیه را آورده است. همچنین در کتاب «فوائد الرضویة» که متعلق به «مرحوم محدث قمی» صاحب کتاب «مفاتیح الجنان» است، مطلبی آمده است.

مرحوم آیت الله صفائی خوانساری مفصل قضیه شهادت حضرت رقیه را مطرح کردند که بنده به آنها اشاره می‌کنم.

این‌ها در حقیقت بخشی از وجود واقعی حضرت رقیه در کربلا و مسیر کربلا بوده است که بزرگان ما نظیر «سیف بن عمیره» از زمان عصر امام صادق این مباحث را مطرح کرده است.

«سید بن طاووس» و «ابو مخنف» این قضایا را آورده است و نمی‌شود به سادگی از کنار این قضایا گذشت.

اگر ما مطالبی مطرح کنیم و چه بسا کلمه‌ای از زبان انسان بیرون بیاید، خدای ناکرده فردای قیامت انسان باید پاسخگو باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ)

در حالی که قطعاً سخنان کفر آمیز گفته‌اند.

بعضی افراد به شوخی کلمه‌ای گفتند که کفرآمیز بود. خداوند عالم می‌فرماید:

(وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ)

و پس از اسلام کافر شده‌اند.

سوره توبه (9): آیه 74

به فرموده خداوند متعال این افراد با همین یک کلمه از ایمان بیرون رفتند و کافر شدند. «محمد بن عبدالوهاب» می‌گوید: وقتی صحابه با یک کلمه کافر شدند، چرا شیعه کافر نباشد!! این فرد خبیث وقتی می‌خواهد شیعه را تکفیر کند، به این آیه استدلال می‌کند.

چه بسا یک کلمه‌ای از زبانمان بیرون بیاید که خدای ناکرده سال‌ها تلاش و زحمات ما را هبط کند. ما از این گناه به خداوند عالم پناه می‌بریم. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خواهش می‌کنم، ان شاءالله در خدمت معارف اهل بیت باشیم و در دنیا و آخرت زیر سایه اهل بیت باشیم. خیلی ممنون از اینکه تعبیر محققانه بودن اثر را بیان کردید و این اهل تحقیق بودن خیلی خوب است.

بسیار مهم است که با دقت مسائل را بررسی کنیم. ما باید عبارت "هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد" را همیشه مدنظر داشته باشیم. به قول شما جای بعضی مباحث در مناظرات علمی است.

اگر مطلبی به رسانه کشیده شود و شبهه‌ای در ذهن دیگران ایجاد کند به ثواب نزدیک نیست و ان شاءالله بدانیم و بتوانیم در خدمت معارف اهل بیت از همه ظرفیت‌ها و ظرافت‌ها استفاده کنیم. با برنامه «حبل المتین» در خدمت شما هستیم.

شخصی نقل می‌کرد روز عاشورا هر شهیدی که به خاک می‌افتاد قبل از شهادت سرش را بر دامن حضرت سیدالشهدا می‌دید، اما بمیرم برای حضرت سیدالشهدا که وقت شهادت کسی سرش را بر دامن نگرفت.

بیست و چند روز گذشت و بعد از آن حضرت رقیه در خرابه شام جبران کرد. حضرت سر پدر را بر دامن گرفت...

در ایام شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها) در خدمت شما هستیم. ان شاءالله به زودی زیارت آن حضرت نصیب همه ما شود.

یاد کنیم از همه شهدای مدافع حرم که نگذاشتند پای حرامی به آن حرم‌ها باز شود. ان شاءالله شهدای مدافع حرم دعاگوی ما باشند.

با برنامه «حبل المتین» در خدمت شما هستیم و در خدمت استاد ارجمند و دانشمند گرامی حضرت آیت الله حسینی قزوینی هستیم و از محضرشان سؤال می‌پرسیم.

ما راجع به حضرت رقیه از متأخرین، معاصرین و متقدمین شیعه روایاتی شنیدیم. هم اسم آن بزرگوار آمده و هم رسم و سن و سالشان در بسیاری از مطالب بیان شده بود. آیا اهل تسنن راجع به حضرت رقیه مطالبی دارند؟!

شخصیت حضرت رقیه (سلام الله علیها) در کلام علمای اهل سنت

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

نکته زیبایی است. بنده در این زمینه بررسی‌هایی داشتم و چند مورد در این زمینه دیدم که به دو مورد از آن اشاره می‌کنم.

آقای «عبد الوهاب بن أحمد شعرانی» شافعی مذهب است و مطالب زیادی نسبت به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد.

آقای «شعرانی» از قول یکی از علمای اهل سنت نقل می‌کند که حضرت ولی عصر یک هفته مهمان ما بود. ایشان که متوفای 973 هجری است، کتابی به نام «المنن» دارد.

آقای «شعرانی» در باب دهم این کتاب قضایایی را نقل می‌کند و می‌گوید: نزدیک مسجد جامع دمشق بقعه و مرقدی است که به حضرت رقیه دختر امام حسین تعلق دارد. روی سنگ قبر او این عبارت نوشته شده است:

«هذا البيت بقعة شرفت بآل النبي و بنت الحسين الشهيد رقية عليه السلام»

این خانه بقعه‌ای است که شرافتش به آل پیغمبر و دختر سیدالشهدا حضرت رقیه سلام الله علیها است.

لطائف المنن و الاخلاق فی بیان وجوب التحدث بنعمه الله علی الالاق؛ شعرانی، عبدالوهاب بن احمد؛

ناشر: مطبعة الميمنية، مصر؛ باب دهم، ص 477

وقتی یک سنی اینطور نقل می‌کند، ما نباید بد سلیقگی به خرج بدهیم. کتابی است به نام «سرگذشت جانسوز حضرت رقیه» که جدیداً به چاپ رسیده است. در صفحه 53 این کتاب به نقل از کتاب «معالی السبطين» اثر «مرحوم حائری» مطلبی آمده است.

وهابی‌ها به جهت اینکه آقای «قندوزی حنفی» در کتاب «ینابیع المودة» مطالبی در رابطه با فضائل اهل بیت آورده است با ایشان رابطه ندارند و چه بسا به او جسارت هم می‌کنند. ایشان هم متوفای 1294 هجری قمری است.

مجری:

خوشا به سعادت او که وهابی‌ها به او جسارت می‌کنند.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

بله. ایشان در صفحه 416 مطلبی آورده است. «مرحوم شوشتری» در کتاب «احقاق الحق» جلد 11 صفحه 633 این مطلب را آورده است. «ابن شهرآشوب» در کتاب «مناقب» جلد 4 صفحه 109 این مطلب را آورده است.

با این حال ما این مطلب را از آقای «قندوزی حنفی» نقل می‌کنیم. ایشان می‌نویسد که حضرت سیدالشهدا در روز عاشورا عرضه داشت:

«اللهم إنك شاهد على هؤلاء القوم الملعين، إنهم قد عمدوا أن لا يبقوا من ذرية رسولك (ص)»

خدایا شاهد هستی که این قوم می‌خواهند از ذریه پیغمبر اکرم کسی در روی زمین باقی نماند.

«وهو يبكي بكاء شديداً وينشد ويقول:»

حضرت سپس به شدت گریه کردند، مخالفین را نفرین کردند و فرمودند:

«يا رب لا تتركني وحيدا * قد أظهروا الفسوق والجحودا»

سپس فرمودند:

«وصيرونا بينهم عبيدا يرضون في فعالهم يزيدا»

آن‌ها به خاطر رضایت یزید این همه جنایت کردند و عزیزان مرا کشتند.

«وأنت بالمرصاد»

خدایا تو در کمین گاه نشسته‌ای.

«ثم نادى: يا أم كلثوم، ويا سكينه، ويا رقية، ويا عاتكة، ويا زينب، يا أهل بيتي عليكن منى السلام»

حضرت تک تک اهلبیتش را صدا زدند و از آنها خداحافظی کردند.

«فلما سمعن رفعن أصواتهن بالبكاء»

وقتی اهلیت وداع حضرت را شنیدند، صدای ضجه و گریه‌شان بلند شد.

«فضم بنته سکینه الی صدره، وقبل ما بین عینیها، ومسح دموعها»

حضرت سکینه بسیار بی تاب می‌کرد. حضرت ایشان را به آغوش گرفت و صورتشان را بوسید و با دامنشان اشک چشمان حضرت سکینه را پاک کرد.

«سیطول بعدی یا سکینه فاعلمی»

دخترم سکینه بدان که تو زنده می‌مانی.

«منک البكاء إذ الحمام دهانی»

بعد از آنکه مرگ مرا به خون بدنم آغشته کرد.

بنده در بسیاری از منابع مشاهده کردم که وقتی این شعر را آورده‌اند، «إذ الحمام دهانی» را رها کردند و ترجمه نکردند. «حمام» به معنای رنگ است و «دهانی» به معنای رنگ آمیز شدن است.

«لا تحرقی قلبی بدمعک حسرة»

سکینه با اشک‌های قلب پدر را آتش نزن.

«مادام منی الروح فی جثمانی»

تا من زنده هستم این چنین قطرات اشکت را به رخسارت جاری نکن.

«فإذا قتلت فأنت أولى بالذی»

گربه‌هایت را نگهدار و وقتی به شهادت رسیدم.

«تأئینه یا خیره النسوان»

گربه‌های جانسوزت را جاری کن.

ینابیع المودة لذوی القربی للشیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی (1220 - 1294 هـ) تحقیق

سید علی جمال اشرف الحسینی، ج 3، ص 71، باب 79

این شعر مشهور است و «علامه مجلسی» و دیگران هم آن را نقل کرده‌اند. این شعر را یک عالم سنی حنفی مذهب در کتاب «ینابیع المودة» نقل می‌کند.

از میان علمای شیعه قرن ششم و هفتم هم آقای «ابن شهر آشوب مازندرانی» در کتاب «مناقب» جلد چهارم صفحه 109 آن را نقل کرده است. بنده به همین دو مورد اکتفا می‌کنم.

«مرحوم شوشتری» در کتاب «احقاق الحق» با تحقیق آیت الله العظمی مرعشی موارد متعددی را نقل کرده است. دوستان می‌توانند به این کتاب جلد یازدهم صفحه 633 به بعد مراجعه کنند. این قضایا از منابع اهل سنت در این کتاب نقل شده است.

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنونم. ان شاءالله که بتوانیم مطالعه کنیم و بخوانیم و معرفت خودمان را نسبت به وجود مقدس خاندان حضرات معصومین بیشتر کنیم.

حاج آقا قزوینی بنده به عنوان یکی از عوام جامعه یا طلبه‌ای که چند سال درس خواندم، ممکن است نسبت به بعضی از روضه‌ها و مطالب تاریخی حساس باشم و سند و دلیل بخواهم و سعی داشته باشم از گزافات و اضافاتی که بوده است پرهیز کنم.

حال قطعاً حساسیت مراجع عظام تقلید و علمای برجسته نسبت به ما صد چندان است و همانطور که فعلشان بر ما حجت است، گاهی اوقات قول و عملشان بر ما حجت است. نظر مراجع عظام تقلید و علمای معاصر راجع به وجود حضرت رقیه چگونه هست؟!

شخصیت حضرت رقیه (سلام الله علیها) در کلام علمای معاصر و مراجع عظام تقلید

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است. ما در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مطالب زیادی از بزرگان نظیر «شهید مطهری»، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی و دیگران آوردیم. همچنین سایت‌های دیگر هم مطالبی در این زمینه آورده‌اند.

مرحوم آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی یکی از مراجع بزرگ معاصر بوده است، به طوری که در درس خارج فقه ایشان حداقل پانصد مجتهد حضور داشتند. ما هم افتخار داشتیم مدتی در محضرشان بودیم. ایشان می‌نویسد:

"مزار کنونی حضرت رقیه بنت الحسین (علیه السلام) در شام از اول مشهور بود، گویا امام حسین (علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت و حوادث آن بپردازند. این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده‌اند."

البته «ابن تیمیه» ادعا می‌کند که خاندان رسول الله به اسارت نرفته بودند، بلکه یزید خواست آنها برای هواخوری به آنجا بروند تا یزید از آنها دلجویی کند و هدایایی به آنها بدهد!!

وقتی انسان بی عقلی همانند «ابن تیمیه» هست، واقعاً آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی حق دارند چنین حرفی بزنند.

"ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه (علیها السلام) در این مکان شهرت قائم است، حضرت در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم و باید احترام او را پاس داشت. دفن این طفل خردسال در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارات خاندان طهارت و ستم روا داشته بر ایشان دارد."

ایشان در آخر فتوا می‌دهند و می‌نویسند:

"بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان (محل دفن حضرت رقیه) را داشته باشند و به سخنان فاسد و بیهوده‌ای که از گمراهی شیاطین است گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین حضرت رقیه (علیها السلام) به خداوند متعال تقرب می‌جوئیم، آن دختری که خود مظلوم بود و خاندان وی همه مظلوم بودند."

بینید این تعبیر چقدر تعبیر زیبایی است! این تعبیر فلان منبری، فلان مداح یا فلان طلبه مبتدی نیست بلکه فقیهی است که بیش از پانصد مجتهد پای درس ایشان بودند.

مجری:

ایشان به دو شبهه پاسخ دادند؛ هم راجع به وجود حضرت رقیه گفتند و هم راجع به مرقد حضرت رقیه گفتند.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

بله. آیت الله العظمی مکارم شیرازی می‌نویسند:

"شکی نیست که دختر کوچکی از امام حسین (علیه السلام) در شام از دنیا رفت و در آنجا دفن شد و حرم فعلی منسوب به همان دختر است، اما این که نام آن دختر «رقیه» بوده یا نام دیگری داشته است در بین دانشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. هرچند معروف این است که نامش «رقیه» است."

آیت الله العظمی نوری همدانی می‌نویسند:

"در کتاب‌هایی چون «کامل بهائی»، «نفس المهموم» و کتاب‌های معتبر دیگر دختر خردسالی که برخی نام او را «رقیه» نامیده‌اند و در شام به شهادت می‌رسد، برای امام حسین (علیه السلام) ذکر کرده‌اند. اگر کسی برای آن حضرت نذر کند باید آن را ادا نماید و مضجع موجود در دمشق متعلق به آن حضرت است."

آیت الله العظمی مظاهری (حفظه الله) می‌نویسد:

"همین جا که به عنوان مرقد حضرت رقیه (علیها السلام) مشهور است، مرقد اوست و تشکیک کردن یک ظلم است آن هم ظلم به بچه مظلوم امام حسین (علیه السلام)."

همین شهرت راجع به مرقد مطهر حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز هست و تشکیک در آن ظلم به حضرت زینب (سلام الله علیها) است و ظلم به حضرت زینب گناهِش خیلی بزرگ است. ما در اینگونه موارد نظیر سیادت اشخاص و قبور بزرگان چیزی جز شهرت نداریم و این شهرت در نظر همه فقها حجت بوده و هست."

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی می‌نویسند:

"وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) از مسلمات تاریخی است و اگر شبهه‌ای هم هست در اصل وجود ایشان نیست و بعضی از شبهات در نام مبارک او وجود دارد، ولی این مسئله که دختری از امام حسین (علیه السلام) در شام مدفون است هیچ گونه شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد."

حضرت آیت الله العظمی روحانی هم در این زمینه می‌فرمایند:

"حضرت رقیه سه ساله در خرابه شام از دنیا رفته و قبرش هم در آنجاست و معجزات زیادی هم نقل شده است."

حضرت آیت الله مبشر کاشانی هم مطالبی در این زمینه دارند. حجت الاسلام و المسلمین جاودان که خود استوانه‌ای عرفانی و علمی است، مطالبی نسبت به حضرت رقیه بیان کرده‌اند.

این‌ها نظرات تعدادی از مراجع و بزرگان ما در رابطه با اصل دختری به نام حضرت رقیه از امام حسین (علیه السلام) است.

مراجع عظام تقلید بر این عقیده هستند که حضرت رقیه در اینجا دفن است و این مرقد متعلق به این بزرگوار است. هرگونه تشکیک ظلم به حضرت رقیه است و این مرقد دارای معجزات است.

به تعبیر مرحوم آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی ما نباید به تشکیک بعضی از افراد فاسد گوش فرا دهیم. ما بارها دیدیم که بعضی از مراجع عظام تقلید در کنار مرقد مطهر حضرت رقیه تعظیم می‌کنند، نماز و زیارتنامه می‌خوانند.

بنده گمان نمی‌کنم کسی در طول پانصد سال اخیر سراغ داشته باشد که یکی از مراجع بزرگوار در رابطه با مرقد مطهر یا زیارت یا معجزات و کرامات حضرت رقیه کوچکترین شبهه و تردیدی کرده باشد.

دلیل اینکه نام حضرت رقیه در بعضی از کتاب‌های زمان گذشته نیست، بنده بارها عرض کردم که دشمنان شیعه تمام تلاش خود را به کار بردند تا آثار شیعه را نابود کنند.

«شیخ مفید» متوفای 413 هجری است. مخالفین کتابخانه ایشان را که مملو از کتب شیعه بود آتش زدند و به خاکستر مبدل کردند.

در زمان ایشان تمامی کتاب‌ها خطی بود و زمانی که انسان می‌خواست یک کتاب را تهیه کند یا مبلغ گزافی پرداخت می‌کردند یا هزینه سنگینی برای استنساخ آن خرج می‌کردند.

بعد از «شیخ مفید» شاگرد ایشان «سید مرتضی» متوفای 436 هجری هزاران کتاب جمع کرد. بازهم یک دسته از سنی‌های متعصب کتابخانه ایشان را آتش زدند.

«شیخ طوسی» متوفای 460 هجری شاگرد «سید مرتضی» کتابخانه‌ای داشت که در آن بنا به نقلی یازده هزار جلد کتاب و بنا به نقلی هفده هزار جلد کتاب وجود داشت.

تقریبی‌ترین روحانی شیعه در تاریخ، «شیخ طوسی» بود، به طوری که پنج درس خارج فقه داشت. یک درس برای علمای شیعه، یک درس برای علمای شافعی، یک درس برای علمای حنفی، یک درس برای علمای مالکی و یک درس برای علمای حنبلی.

کتاب «خلاف» اثر «شیخ طوسی» محصول درس خارج ایشان برای فقهای اهل سنت است. ایشان می‌گوید: ما در میان صحابه دوازده هزار صحابی می‌شناسیم که هیچگونه انحرافی از آنها ثابت نیست و ما امید شفاعت از این دوازده هزار صحابی داریم.

ایشان چنین شخصیت تقریبی داشتند، اما بازهم مخالفین کتابخانه ایشان را آتش زدند و به خاکستر مبدل کردند. حال ما انتظار داریم که این بزرگواران همه مطالب را بنویسند یا بعد از آنها مطالب را بنویسند!!
ما در تاریخ کتاب شناسی، همانند «آقا عزیز طباطبایی» (رضوان الله تعالی علیه) نداشتیم. خداوند روحشان را شاد کند.

ایشان به ما محبت فوق العاده ای داشتند، به طوری که اگر ما یک هفته خدمتشان نمی‌رفتیم به ما زنگ می‌زدند و می‌گفتند چه ترک اولایی از ما سر زده است که این هفته به دیدار ما نیامدید و هرگاه می‌رفتیم از محضرشان استفاده می‌کردیم.

ایشان برای ما نقل کرد که من برای مداوا به لندن رفته بودم. بنده در آنجا از کتابخانه بزرگ لندن که چند میلیون کتاب خطی در آنجاست دیدن کردم. من در این کتابخانه مشغول مطالعه بودم که به یک نسخه از کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» برخورد کردم.

اولین کتاب «شیخ طوسی» که چاپ شد، در مطبعه آداب نجف بود که چاپ شد و بعد از آن هم همین کتاب در طول این دویست سال دست علما و فقهای ما بود.

ایشان نسخه‌ای خطی از کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» دیدند. تقریباً در ذهن دارم این کتاب نزدیک به صد سال بعد از «شیخ طوسی» استنساخ شده بود.

زمانی که صلیبی‌ها به کشورهای اسلامی حمله کردند که سیصد سال طول کشید، بسیاری از کتاب‌های شیعه را غارت کردند و بردند.

یکی از کتاب‌هایی که در زمان حمله صلیبی‌ها از کشورهای اسلامی به ویژه عراق غارت کردند و بردند، همین کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» است.

ایشان نقل می‌کردند که من مقایسه کردم و دیدم در هر صفحه سه یا چهار اسم راوی در این نسخه خطی هست، اما در نسخه چاپی نیست.

ایشان از طریق میکروفیلم نسخه‌ای از این کتاب گرفته بودند و با خود آوردند که آن را به ما دادند. ما در کتابخانه «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» یک نسخه از آن کتاب داریم.

جامعه مدرسین حوزه علمیه هم تلاش جانانه‌ای کردند و کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» را بر مبنای این نسخه خطی نوشتند. این کتاب حدود سی درصد اضافه دارد، به این معنا که در استنساخ‌ها همه افتاده بوده است.

به عنوان مثال اصحاب امام صادق در نسخه قبل دو هزار و پانصد نفر بودند، اما در این نسخه سه هزار و چهارصد نفر هستند. این نسخه اینقدر اثر دارد.

وقتی ما می‌بینیم بعضی مطالب در بعضی از کتاب‌ها نیست عوامل متعددی دارد و یک عامل و دو عامل نیست.

بنده دست همه عزیزان منبری و مداحان بزرگوار و فضلا و طلبه‌ها را می‌بوسم و تقاضا می‌کنم قدری بیشتر دقت و مطالعه کنند.

هر مطلبی که ان قلت و هت را در منبر یا جلسات عمومی مطرح نکنند، بلکه مطالبی که منقح است و بزرگان و مراجع ما بر او عنایت دارند و جزو مشهورات است را بیان کنند. امام باقر (سلام الله علیه) به «زراره» فرمودند:

«يَا زُرَّارَةُ خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ»

ای زراره آنچه در میان علمای شیعه شهرت دارد مقبول ائمه اطهار است.

عوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية؛ نویسنده: ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، ناشر: دار سید الشهداء للنشر، مکان چاپ: قم، سال چاپ: 1405 ق، نوبت

چاپ: اول، ج 4، 133

پرداختن به مشهورات در حقیقت امروز جزو قطعیات ما هست. بنابراین علمای اهل سنت هم فتوا دادند که در غیر از احکام و واجبات به روایات ضعیف هم می‌توان عمل کرد.

ملاحظه کنید در کتاب «تاریخ ابن اثیر» و «تاریخ طبری» چند روایت صحیح وجود دارد. ملاحظه کنید «تاریخ ابن خلدون» چقدر روایات صحیح دارد. کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر» چند روایت صحیح دارد.

کتاب «ارشاد» اثر «شیخ مفید» یا کتاب «مناقب» اثر «ابن شهر آشوب» هم از این دست هستند. اگر ما بخواهیم در مباحث تاریخی مته به خشخاش بگذاریم، بسیاری از مسائل به هم می‌ریزد.

این توصیه ما به همه عزیزان و بزرگواران هست، مخصوصاً با شنیدن این فرمایشات مراجع و بزرگان. اگر ما مطالب علمی مطرح می‌کنیم هم پایان بخش آن نظرات مراجع بزرگوار معاصر را نقل کنیم و بگوییم که بزرگان ما چنین نظری دارند.

اگر هم از گفتار ما در ذهن افراد شبهه‌ای پیش می‌آید، این شبهات با فرمایشات مراجع برداشته شود.

مجری:

همانطور که بی دلیل مطلب اضافه کردن مضموم هست و جای ایراد دارد، بی دلیل حذف کردن هم ایراد دارد. همانطور که حضرتعالی فرمودید باید بتوانیم مطالب را محققانه و با پژوهش نقل کنیم و بی دلیل حذف نکنیم. در کتاب «منتخب التواریخ» گویا مطلبی راجع به نبش قبر حضرت رقیه نقل شده است. این قضیه را هم بیان کنید تا کم کم وارد بحث روضه حضرت رقیه هم بشویم و بهره بیشتری ببریم.

ماجرای نبش قبر حضرت رقیه (سلام الله علیها)

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

«مرحوم میرزا هاشم خراسانی» متوفای 1352 هجری هستند و کتاب «منتخب التواریخ» ایشان کتاب بسیار خوبی است و واقعاً «منتخب التواریخ» است.

ایشان از قول یکی از علمای بزرگوار به نام «شیخ محمد علی شامی» که یکی از علمای نجف بوده است مطلبی نقل می‌کند. ایشان هم از «سید ابراهیم دمشقی» که نسبش به «سید مرتضی علم الهدی» منتهی می‌شود این مطلب را نقل می‌کند.

ایشان نقل می‌کند یک شب دختر بزرگ من خواب دیده بود که شخصی در خواب به او گفت: به پدرت بگو به والی شهر بگوید قبر مرا آب گرفته و در ناراحتی هستم. بیایید قبر مرا اصلاح کنید.

دختر به پدرش گفت و پدرش اهمیت نداد، زیرا حاکم غیر شیعه بود و ایشان ترسید مسئله‌ای پیش بیاید. فرداسب دختر کوچکتر این مرد بازهم همین خواب را می‌بیند، اما ایشان بازهم از ترس والی شهر جرئت گفتن پیدا نمی‌کند و می‌گوید که خواب است.

شب سوم کوچکترین دختر هم همین خواب را می‌بیند. «سید ابراهیم دمشقی» که یکی از نواده‌های «سید مرتضی علم الهدی» هست، قضیه را با حاکم و والی شام مطرح می‌کند.

آن‌ها چند تن از علمای بزرگ شیعه و سنی را جمع می‌کنند. علما که نسبت به فرزند امام حسین عنایتی داشتند، لباس خوب می‌پوشند و غسل می‌کنند و به طرف مرقد مطهر حضرت رقیه حرکت می‌کنند.

والی شهر می‌گوید: این در قفل است. هرکدام از شما دست زدید و این در به خودی خود باز شد، او شایستگی این را دارد که وارد مرقد مطهر شود.

هرکدام از علما قفل را می‌گیرند، قفل باز نمی‌شود. در نهایت «سید ابراهیم دمشقی» به قفل دست می‌زند و قفل باز می‌شود. در زمان سابق قفل‌ها طوری بود که باز کردن آن ساده نبود و تنها با پیچ باز می‌شد.

ایشان قفل را باز می‌کند و وارد مرقد مطهر می‌شوند. هرکسی با کلنگ می‌زند قبر کنده نمی‌شود، اما زمانی که «سید ابراهیم» شروع به کندن می‌کند می‌بیند که مرقد مطهر مملو از آب شده است.

جنازه مطهر دختر سه ساله حضرت سیدالشهدا را از قبر بیرون آوردند، به طوری که حتی کفن هم نپوسیده بود گویا نیم ساعت قبل دفن شده است.

بدن مطهر حضرت رقیه را بیرون می‌آورند، آب را خالی می‌کنند، مسیر آب را تغییر می‌دهند و بعد از خشک کردن قبر دوباره بدن مطهر حضرت رقیه را در لحد قرار می‌دهند.

والی شهر تفصل ماجرا را به «سلطان عبدالحمید» که یکی از حاکمان عثمانی بود نوشت. او هم تولیت مرقد حضرت زینب و حضرت رقیه را به «سید عباس» پسر «مرحوم سید ابراهیم» داد. فرزندان ایشان نسل اندر نسل تولیت این دو مرقد را داشتند.

دوستان می‌توانند کتاب «منتخب التواریخ» صفحه 388 را مطالعه کنند. در رابطه با شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها) حرف بسیار زیاد است و مبنای ما هم بر این است که مستند حرف بزنیم.

ذکر واقعه شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها)

«مرحوم محدث قمی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «نفس المهموم» صفحه 416 دو قضیه را نقل کرده است. اولین قضیه به نقل از کتاب «کامل بهائی» است که عرض کردیم اثر «طبری شیعی» یکی از اعیان قرن هفتم است.

ایشان نقل می‌کند که حضرت زینب (سلام الله علیها) و ام کلثوم و رباب و دیگران شهادت امام حسین را از بچه‌ها مخفی می‌کردند. نقل شده است حضرت دختر کوچکی به نام رقیه داشتند که سه یا چهار سال داشت.

حضرت رقیه می‌فرمود: پدر من کجاست؟! اطرافیان می‌فرمودند: پدرت به مسافرت رفته است.

حضرت رقیه یک شب پدر را در خواب می‌بیند، از خواب بیدار می‌شود و شروع به گریه کردن می‌کند. حضرت می‌فرماید: من پدرم را در خواب دیدم در حالی که بسیار مضطرب بود.

من از دامن پدر گرفتم و گفتم: بابا خیلی وقت است که تو را ندیدم. تو که مرا دوست داشتی، چرا فراموشم کردی؟!!

نیمه شب اهل بیت با گریه این کودک به گریه افتادند. یزید ملعون از خواب بیدار شد و گفت: چه خبر است؟! سربازان جستجو کردند و گفتند: یکی از دختران امام حسین در عالم خواب پدرش را دیده است و گریه می‌کند.

یزید دستور داد که سر مطهر حضرت سیدالشهدا را برای دختر ببرند. این هم از خباثت این لعین بود که به جای دلداری و آرامش دادن می‌خواست غصه و درد قلب خاندان اهل بیت را بیشتر کند.

«مرحوم محدث قمی» بعد از نقل این قضیه می‌گوید: در بعضی از تألیفات بزرگان دیدم که سر مطهر امام حسین را در داخل تشتی گذاشتند و روی آن سرپوشی گذاشتند و در مقابل این دختر سه ساله قرار دادند. حضرت رقیه (سلام الله علیها) فرمود: این چیست که برای من آوردید؟! سربازان گفتند: این سر پدر توست.

«فرغته من الطست حاضنة له»

وقتی حضرت رقیه پوشش را کنار زد، دید سر مطهر امام حسین آغشته به خون هست.

«وهي تقول: يا أباه! من ذا الذي خضبك بدمائك؟»

حضرت رقیه صدا زد: بابا چه کسی محاسن و صورت تو را با خون آغشته کرده است؟!

«يا أبتاه! من ذا الذي قطع ويريدك؟»

بابا چه کسی رگ‌های گردن تو را قطع کرده است؟!

«يا أبتاه! من ذا الذي أیتمني علی صغر سني؟»

بابا چه کسی مرا در این سن کوچکم بی پدر کرده است؟!

«يا أبتاه! من بقي بعدك نرجوه؟»

بابا بعد از تو به چه کسی امیدوار شوم؟!

«يا أبتاه! من للیتيمة حتی تکبر؟»

بابا دختر سه ساله‌ات را چه کسی پرستاری می‌کند تا بزرگ شود؟!

حضرت رقیه مشغول گفتن این کلمات بود تا لب‌های کوچکش را بر لب‌های خشکیده بابا گذاشت و شروع به بوسیدن کرد.

«و بکت بُكاءاً شديداً حتى غشي عليها»

حضرت رقیه گریه شدیدی کرد تا جایی که غش کرد و گریه حضرت رقیه قطع شد.

«فلما حزّوها فإذا بها قد فارقت روحها الدنيا»

وقتی حضرت را تکان دادند دیدند روح حضرت رقیه از دنیا مفارقت کرده است.

نفس المهموم في مصيبة سيدنا الحسين المظلوم؛ المحدث الجليل الحاج الشيخ عباس القمي، دار

المحجة البيضاء، للطباعة والنشر، بيروت - لبنان؛ ص 416، باب وقائع الشام

یکی از بزرگان نقل می‌کند که حضرت سید الساجدین بسیار بی‌تابی و گریه می‌کردند. اطرافیان به حضرت عرضه داشتند: آقا جان! چرا این همه بی‌تابی می‌کنید؟!

وقتی عزیزی از دنیا می‌رود و بعضی از حالات و منظرها و خاطره‌های آن عزیز به ذهن انسان می‌رسد جگر انسان کباب می‌شود.

امام سجاد فرمودند روزی این دختر سه ساله دست مرا گرفت و روی سینه و شکمش قرار داد و گفت: برادر! آیا در منطقه شام از من گرسنه‌تر هم کسی هست؟!

ألا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

مجری:

قبول باشد، طیب الله أنفاسکم، خیلی ممنون.

با اینکه غمی بزرگ بر دوش من است

او نیست ولی صداش در گوش من است

ای حق حق بی امان کمی بند بیا

حالا که سر پدر در آغوش من است

الحمد لله از نعمت اشک در این جلسه هم برخوردار شدیم. الحمد لله برای ما که از نعمت داشتن دختر برخوردار هستیم، شنیدن روضه حضرت رقیه و ویژگی‌های خاصی دارد. ان شاء الله خدا همه خانواده‌های شیعه را از داشتن نعمت دختر بهره مند کند.

تماس بینندگان برنامه:

دقایق پایانی برنامه است و تماس تلفنی داریم. آقای نیک روان عزیز از تالش مهمان تلفنی ما هستند. سلام علیکم، شب شما بخیر، بفرمایید:

بیننده (آقای نیک روان از تالش - شیعه):

سلام علیکم، شب شما بخیر.

مجری:

علیکم السلام، بفرمایید.

بیننده:

سؤال از حاج آقا داشتم. ما به کربلا رفتیم و آرزومندیم خداوند تمام کسانی که کربلایی هستند سعادت نصیب کند تا به کربلا بروند.

وقتی امام حسین و حضرت ابوالفضل و بزرگان دیگر را زیارت کردیم، در گوشه‌ای زمینی به نام هفتاد و دو تن بود. با توجه به علم امروزی هفتاد و دو تن در این تکه زمین جای نمی‌گیرد.

آیا این قسمت از زمین به یاد شهدای هفتاد و دو تن است؟! اگر این قسمت را زیارت نکنیم و سایر زیارتگاه‌ها را زیارت کنیم، زیارت ما قبول می‌شود یا خیر؟!

دوما اینکه می‌خواستم ببینم بزرگانی که همراه امام حسین آمدند و در کربلا شهید شدند فرزندان چه کسانی هستند؟! خیلی ممنونم، خدانگهدار.

مجری:

ایشان دو سؤال داشتند. سؤال اول راجع به مزار شهدا که در کنار سیدالشهدا و در آن فضا هستند یا خیر. سؤال دوم ایشان بسیار مفصل بود و همین یک سؤال چند برنامه می‌طلبد که ببینیم شهدا فرزندان چه کسانی بودند.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

آقای نیک روان بعد از شهادت امام حسین، امام سجاد (علیه السلام) با طی الأرض از زندان کوفه به کربلا آمدند.

ما این مطالب را با سند صحیح در منابع شیعه داریم. «مرحوم شیخ مفید» و «علامه مجلسی» و دیگران همگی این قضیه را نقل کرده‌اند.

بنده هم در مقاله‌ای که در مجله حوزه به چاپ رساندم، در شماره 72 یا 73 تمام مدارک آن را با سندهای صحیح و بررسی سندی آوردم.

وقتی امام سجاد حضرت سیدالشهدا را دفن کردند، حضرت علی اکبر را پایین پای حضرت دفن کردند. حضرت ابوالفضل هم کنار علقمه به خاک سپرده شدند. امام سجاد هفتاد شهید دیگر را به تدریج پایین پای حضرت علی اکبر دفن کردند.

حال معلوم نیست حضرت سید الساجدین شهدا را در یک قبر دسته جمعی دفن کردند یا قبرهای متعدد بود که قبیله بنی اسد کنند معلوم نیست.

حساب کنید هفتاد قبر در سه ردیف بیست تایی یا چند ردیف پانزده تایی است. چنین نیست که تنها این منطقه چند متری پایین پا مرقد مطهر این هفتاد تن باشد. چه بسا بسیاری از قبرها زیر دیوارهایی است که بنا کردند.

آنچه برای ما قطعی و مسلم است، این است که قبر این هفتاد نفر پایین پای حضرت علی اکبر (علیه السلام) و در این محوطه است. حال اینکه محوطه چقدر جا گرفته است، قبرها چطور بوده و شهدا به چه نحو دفن شدند بحث دیگری است.

سؤال دوم ایشان بسیار مفصل است. فرزندان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کربلا بودند، فرزندان «عبدالله بن جعفر» و دیگر بنی هاشم در کربلا حضور داشتند.

تعدادی از صحابه نظیر «حبيب بن مظاهر»، «مسلم بن عوسجه»، «وهب» و دیگران حضور داشتند و افرادی هم نظیر «زهیر» در مسیر به حضرت پیوسته بودند.

کتاب «موسوعة الكلمات الإمام حسین» اسامی تمامی شهدا را با نسبشان مفصل ذکر کرده‌اند.

مجری:

ان شاءالله به این کتاب رجوع می‌کنند، می‌بینند و ان شاءالله بیشتر خواهند آموخت.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

اگر ایشان به قم مشرف شدند، وقتی از طرف خیابان ساحلی به مسجد اعظم می‌آیید روبرویتان آیت الله العظمی بروجردی اسامی هفتاد و دو تن شهدای کربلا را کاملاً با کاشی نوشته‌اند.

مجری:

خیلی خوب، بسیار ممنونم. حاج آقای قزوینی استفاده کردیم همانند همه برنامه‌هایی که خدمت شما بودیم. ان شاءالله خداوند به زمان و توان و مال و زندگی شما برکت بدهد.

چقدر خوشحالم در برنامه‌ای که به نام حضرت رقیه بود، ذکر خیر حضرت سکینه (سلام الله علیها) هم شد. ان شاءالله بیشتر راجع به این ذوات مقدسه بخوانیم و بدانیم و در مسیرشان حرکت کنیم.

تشکر از حاج آقا قزوینی، تشکر از دوستانمان در مجموعه «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و تشکر از شما که با این برنامه همراهی کردید. در پناه حضرت صاحب الزمان باشید، یا علی، التماس دعا.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته